

## بررسی وضعیت توزیع جغرافیایی سرمایه گذاری در استان گیلان<sup>۱</sup>

مجید یاسوری\* - دانشیار دانشگاه گیلان، گروه جغرافیا، رشت، ایران

دریافت مقاله: ۸۹/۷/۷

پذیرش نهایی: ۹۰/۳/۲۵

### چکیده

در این تحقیق به چگونگی توزیع فضایی سرمایه گذاری در استان گیلان در طی برنامه چهارم پرداخته شده است تا روند سرمایه گذاری‌ها در گذشته و راهبردهای جدید در خصوص جهت دهی مکانی سرمایه گذاری‌ها در آینده مشخص شود. در همین چارچوب داده‌های مورد نیاز از معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان اخذ گردید و پس از استخراج اعتبارات به تفکیک شهرستان و فصول مختلف، لایه‌های مکانی در قالب شهرستان در محیط نرم افزاری Arc GIS ایجاد شد. نتایج تحقیق نشان می‌دهد توزیع اعتبارات ملی و استانی چه در سطح شهرستانی، چه در سطح فصول در طول برنامه چهارم توسعه، نامتعادل و نامتوازن بوده است. سرانه‌های توزیع اعتبار، نسبت توزیع اعتبار به مساحت و نسبت توزیع اعتبار با وضعیت توسعه یافتگی و برخورداری شهرستان‌های استان تناسبی وجود ندارد. این امر جهت گیری‌های بودجه‌ای دولت را در برنامه‌های توسعه نشان می‌دهد. ادامه این روند منجر به تشدید نابرابری منطقه‌ای در سطح استان خواهد شد، لذا به نظر می‌رسد یکی از سیاست‌های توزیع اعتبارات در طول برنامه‌های آینده باید در راستای کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای باشد.

واژگان کلیدی: سرمایه گذاری، برنامه چهارم، اعتبارات، استان گیلان

۱. این تحقیق در قالب طرح پژوهشی تحت عنوان "بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان گیلان" صورت گرفته است و لازم است از همکاری معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان به خاطر در اختیار گذاشتن اطلاعات مربوط به توزیع اعتبارات تشکر و قدردانی شود.

## ۱. مقدمه

یکی از مواردی که دولت در جهت ایجاد توازن منطقه‌ای دخالت می‌کند، سرمایه‌گذاری است. از نظر تئوریک عدم تعادل باعث عدم استفاده بهینه از فضا، جابجایی نیروی انسانی و سرمایه، مهاجرت و افزایش شکاف بین مناطق برخوردار و محروم می‌گردد. هرچند نابرابری‌های فضایی در درجه اول به قابلیت‌های فیزیکی و ذاتی مناطق بستگی دارد اما نظام اقتصادی، شیوه تولید و مبادله و نحوه سرمایه‌گذاریها باعث می‌شود تا از قابلیت‌های محدود نیز استفاده مطلوب نشود. وجود نابرابری‌های فضایی که نقش بسیار مؤثر در عدم تحقق اهداف توسعه منطقه‌ای دارد، بیکاری، فقر، مهاجرت، بهم خوردن ساختار جمعیت و اشتغال، بروز ناملایمات و کجروی اجتماعی و تخریب محیط زیست را بدنبال دارد. بنابر این هرگونه برنامه‌ریزی در استفاده بهینه از منابع محلی و رسیدن به توسعه پایدار ملی بایستی با کاهش نابرابری‌های فضایی و اجتماعی همراه باشد.

در آستانه برنامه پنجم توسعه دو راه در پیش روی سیاستگذاران و برنامه‌ریزان کشور قرار دارد: یکی از این راه‌ها، ادامه روال گذشته می‌باشد، که در این صورت نمی‌تواند به ایجاد یک وضعیت مطلوب بیانجامد. راه دوم اصلاح خط مشی‌های کنونی و اتخاذ سیاست‌های نوین اقتصادی است که به تضمین اشتغال و کیفیت زندگی بالا و درآمد، ارتقای جایگاه اقتصادی کشور در سطح منطقه و احراز یک هویت اقتصادی مناسب در عرصه بین‌المللی می‌انجامد. بنابراین، یکی از راهکارهای تحقق اهداف توسعه کشور در شرایط کنونی جهت دهی جریان سرمایه‌گذاری در راستای کاهش نابرابری‌های منطقه‌ای، بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی و در مواردی ایجاد مزیت در نواحی مختلف کشور است.

## ۲. طرح مساله

شکست و عدم موفقیت سیاست‌های متمرکز با رویکرد بالا به پایین و راهبرد قطب‌رشد، برنامه‌ریزان و سیاستگذاران را بر آن داشت تا با بکارگیری روش‌هایی بتوانند برنامه‌ریزی‌ها را در راستای تمرکز زدایی و توجه به مناطق سوق دهند تا بتوانند بر تبعات منفی سیاست‌گذاری‌های متمرکز فائق آیند. بنابر این سیاست‌گذاری منطقه‌ای عبارت از همه کوشش‌های آگاهانه و عمدی که از سوی حکومت برای ایجاد تغییر در توزیع فضایی پدیده‌های اقتصادی و اجتماعی از قبیل جمعیت، درآمد، درآمدهای دولت، تولید انواع کالا و خدمات، تسهیلات حمل و نقل و سایر زیرساخت‌های اجتماعی و حتی قدرت سیاسی، انجام می‌شود (نایزهنسن و دیگران، ۱۳۷۶: ۱۶). ماهیت ساختار حکومتی یک کشور ممکن است پیامدهای منفی متفاوتی برای توسعه مناطق داشته

باشد. لذا کاستن از شکاف میان مناطق از لحاظ کارآیی اقتصادی، ثبات سیاسی، عدالت اجتماعی، توزیع مجدد یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت در فضا، کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال از اهداف اساسی سیاستگذاری منطقه‌ای است. توسعه مناطق عمدتاً به منظور رفاه مردم و افزایش توان و ظرفیت مکان‌ها صورت می‌گیرد. ایجاد صرفه‌های مکانی برای جذب و رشد سرمایه و مهارت در مکان‌ها از اهداف دیگر سیاست‌های منطقه‌ای است تا در مناطق مختلف زمینه‌های تمرکز سرمایه و سرمایه‌گذاری فراهم شود چرا که در غیاب آن برخی از مناطق به علت فراهم بودن زیرساخت‌ها و فرصت‌های مناسب، سرمایه و نیروی انسانی متخصص را جذب می‌کنند در حالی که سایر مناطق نه تنها امکان جذب سرمایه و نیروهای متخصص را ندارند بلکه سرمایه‌های محدود منطقه و نیروی متخصص و کارآمد را نیز از دست می‌دهند. از مهمترین انگیزه‌ها و الزامات سیاستگذاری منطقه‌ای می‌توان به پیشبرد عدالت اجتماعی، کاستن از نرخ بیکاری در مناطقی که وضع نامطلوبی دارند، از میان بردن فقر، تعدیل ساختاری و تحقق قابلیت‌های توسعه ذکر کرد. از آن جایی که ظرفیت برنامه‌ریزی در مناطق مختلف متفاوت است لذا مناطق ثروتمندتر عوامل برنامه‌ریزی ماهرتر و امکانات مالی بیشتری برای ارتقاء سطح توسعه در اختیار دارند. به همین دلیل قبل از هرگونه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و بازرگانی در منطقه، بایستی در کاهش نابرابری‌های فضایی آن تلاش کرد تا بتوان زمینه‌های شکل‌گیری و پایداری سرمایه‌گذاری و بهره‌وری منابع را فراهم کرد. یکی از زمینه‌های لازم برای پیشبرد اهداف سیاستگذاری منطقه‌ای جهت دادن به جریان سرمایه گذاری‌هاست.

ملاحظات انسانی و عدالت اجتماعی ایجاب می‌کند که همه مناطق به نحو تقریباً یکسان از امکانات و خدمات عمومی برخوردار شوند. بعلاوه بهره برداری از منابع و قابلیت‌های مناطق مختلف و حرکت به سوی توسعه نواحی به سرمایه گذاری نیاز دارد. برخورداری از امکانات و زیرساخت‌ها به منظور حفظ و نگهداری جمعیت و بهره برداری بهینه منابع از راهبردهای برنامه‌ریزی‌های توسعه به شمار می‌آید. برای تحقق اهداف توسعه مناطق و بهره برداری از منابع تاکنون اقداماتی از طرف دولت در طی برنامه‌های مختلف صورت گرفته است. آنچه مهم است این که همه مناطق به طور یکسان از این امکانات برخوردار نشده‌اند. برخی مناطق به علت دسترسی بیشتر به زیرساخت‌های لازم توانسته‌اند در روند توسعه از سایر مناطق، وضعیت خود را بهبود ببخشند. لذا برای شناخت وضعیت عدم تعادل‌ها و توسعه یافتگی مناطق، بررسی وضعیت سرمایه گذاری در این برنامه‌ها از ضرورت‌های این تحقیق بشمار می‌آید. سرمایه گذاری‌های انجام شده به صورت ملی، استانی و یا از سایر منابع بوده است. اهداف این تحقیق شامل؛ شناسایی وضعیت سرمایه گذاری در استان در طی برنامه

سوم، بررسی وضعیت توزیع فضایی سرمایه‌گذاری ملی و استانی و بررسی وضعیت و چگونگی انطباق جمعیت و سرمایه‌گذاری است. بررسی شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی که با استفاده از نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ کل کشور و شاخص‌های سال ۱۳۸۷ موجود در معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان نشان می‌دهد که بین شهرستان‌های استان در زمینه‌های مختلف نابرابری‌هایی وجود دارد. هرچند در طی برنامه‌های گذشته سرمایه‌گذاری زیادی در مناطق محروم صورت گرفت ولی به علت فقدان زیرساخت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی نابرابری‌ها تشدید شد. یکی از مهمترین پیامدهای منفی نابرابری فضایی استان گسترش مهاجرت‌های روستایی و به خصوص مهاجرت به شهر رشت و شکل‌گیری پدیده حاشیه‌نشینی در این شهر اشاره کرد. بنابر این تلاش در جهت توزیع بهینه امکانات و رسیدن به تعادل فضایی یکی از مهمترین اقداماتی است که می‌تواند در انسجام فرهنگی، وحدت ملی، حفظ ارزش‌ها و توسعه پایدار ملی در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی مؤثر باشد. هدف از تحقیق پی بردن به چگونگی تخصیص اعتبارات در سطح شهرستان‌های استان و همچنین پی بردن به رابطه بین شاخص‌های توزیع اعتبار و وضعیت برخورداری از امکانات و خدمات است. به طور خلاصه پی بردن به سیاست‌های دولت در راستای کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای است.

مهمترین سؤال‌های تحقیق عبارتند بودند از:

وضعیت توزیع اعتبارات در طول برنامه چهارم توسعه در استان گیلان به چه صورت بوده است؟

آیا تخصیص اعتبارات دولتی در راستای تعادل بخشی بوده است؟

چه رابطه‌ای بین وضعیت توزیع اعتبار و وضعیت برخورداری مناطق وجود داشته است؟ در این تحقیق مهمترین فرضیه این بوده است که "توزیع فضایی سرمایه‌گذاری در استان گیلان در طی برنامه چهارم توسعه ناهمگون و نامتعادل بوده است."

### ۳. مروری بر ادبیات موضوع

تمرکز زیرساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در مکان‌های خاص موجب می‌شود تا در بلندمدت نابرابری فضایی شدیدی میان مناطق کشور پدید آید. این امر در جریان تولید مناطق پیشرفته و عقب‌مانده تأثیرات قاطعی گذاشته و موجب رقابت‌های شدید ناحیه‌ای، تشدید مهاجرت‌های ناحیه‌ای و جابجایی سرمایه و نیروی کار شده، منطقه‌ای توسعه یافته و منطقه دیگر از توسعه باز می‌ماند. توسعه ناموزون مناطق مختلف کشور در کنار عوامل بازدارنده جغرافیایی و طبیعی به عوامل انسانی و مدیریتی نیز بستگی

دارد. وجود روحیه مرکز گرایی سبب عدم رشد خلاقیت‌ها و شکوفایی استعدادهای منطقه‌ای شده است (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۱۱۳).

وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است زیرا درحقیقت کشورهای توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر اینکه از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردار هستند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۵۶).

نابرابری اجتماعی تصدی موقعیت‌های نابرابری اجتماعی و ساختاری، دسترسی به منابع و مزایای اجتماعی کمیاب از قبیل: ثروت، قدرت و منزلت از سوی افراد و گروه‌ها است که به نوبه خود بر حقوق، فرصت‌ها، پاداش‌ها امتیازات آنها اثر تعیین کننده دارد (افروغ، ۱۳۷۷: ۱۶۴).

تحقق توسعه پایدار منطقه‌ای مستلزم اولویت بخش‌های کم رونق منطقه می‌باشد (هافتون، ۱۳۸۸: ۳۰۷). با گسترش مناطق کم رونق نابرابری‌ها تشدید می‌شود. کاستن از شکاف میان مناطق از لحاظ کارآیی اقتصادی، ثبات سیاسی، عدالت اجتماعی، توزیع مجدد یا تغییر الگوی رشد جمعیت و فعالیت در فضا، کاهش بیکاری و ایجاد اشتغال از اهداف اساسی سیاستگذاری منطقه‌ای است. ایجاد صرفه‌های مکانی برای جذب و رشد سرمایه و مهارت در مکان‌ها از اهداف دیگر سیاست‌های منطقه‌ای است تا در مناطق مختلف زمینه‌های تمرکز سرمایه و سرمایه‌گذاری فراهم شود چرا که در غیاب آن برخی از مناطق به علت فراهم بودن زیرساخت‌ها و فرصت‌های مناسب، سرمایه و نیروی انسانی متخصص را جذب می‌کنند در حالی که سایر مناطق نه تنها امکان جذب سرمایه و نیروهای متخصص را ندارند بلکه سرمایه‌های محدود منطقه و نیروی متخصص و کارآمد را نیز از دست می‌دهند. قبل از هرگونه برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و بازرگانی در مناطق، بایستی در کاهش نابرابری‌های فضایی آن تلاش کرد تا بتوان زمینه‌های شکل‌گیری و پایداری سرمایه‌گذاری و بهره‌وری منابع را فراهم کرد. هدف‌های مشخص برای توسعه بسیاری از کشورها؛ برابری سیاسی، عدالت اجتماعی، حیثیت انسانی، رهایی از نیازمندی، فرصت‌های برابر و درآمدهای سرانه بالا و توزیع عادلانه آن از ضروریات‌های اساسی توسعه است (هگینز، ۱۳۷۶: ۲۱).

نابرابری ممکن است به صورت تک بعدی یا در راستای هم در مناطق وجود داشته باشند. ذیلأ به برخی از مهمترین ابعاد نابرابری اشاره می‌گردد:

- **نابرابری موضعی:** مراد از نابرابری موضعی توزیع متراکم منابع ارزشمند در مواضع راهبردی است. اگر این نوع برابری در طول زمان کاهش نیابد نتایج زیانباری را برای رفاه عموم دربرخوردار داشت.

- **نابرابری بخشی:** این نابرابری در واقع توزیع نابرابر امکانات در بخش‌های مختلف اقتصادی را شامل می‌شود.

- **نابرابری فضایی:** منظور از نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی در فضا است. نابرابری فضایی می‌تواند شامل: نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... می‌باشد (چلبی، ۱۳۷۵: ۲۰۱). در ارتباط با نابرابری فضایی می‌توان به چند رهیافت اشاره کرد؛ عده‌ای معتقدند که نابرابری به علت عملکرد بازار سرمایه‌داری است در حالی که عده‌ای دیگر ایجاد قطب‌های رشد را عامل اصلی آن می‌دانند و بالاخره رهیافت رادیکالی نیز وجود دارد که علت نابرابری بین کشورها را براساس نظریه وابستگی توجیه و تفسیر می‌کنند. تقسیم کار فضایی موجب انباشت سرمایه در برخی از مناطق مستعد شده و نابرابری‌ها را ایجاد و تشدید می‌بخشد. در مجموع با توجه به دیدگاه‌های مختلف در ارتباط با نابرابری فضایی می‌توان گفت که این نوع برابری عمدتاً با توجه به پیامدهای منفی آن مورد تأکید می‌باشد. مهمترین پیامدهای منفی نابرابری فضایی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- نابرابری فضایی موجب می‌شود تا از فضا استفاده بهینه بعمل نیاید.
- موجبات تراکم جغرافیایی فقر و تشدید محرومیت برخی از مناطق را فراهم می‌کند.
- این نوع نابرابری از طریق تضعیف انسجام فضایی می‌تواند به طور بالقوه انسجام جامعه را تحت‌الشعاع قرار دهد.
- نابرابری فضایی تخصیص بهینه و داوطلبانه نیروی انسانی و بخصوص نیروی انسانی متخصص را در مناطق ناممکن می‌سازد.
- نابرابری فضایی نقش مؤثری در تشدید مهاجرت‌های بی‌رویه ایفا می‌کند و از این طریق توزیع بهینه جمعیت در فضا را غیرممکن می‌سازد. به طور خلاصه نابرابری فضایی امکان بروز فقر، بیکاری، حاشیه‌نشینی، مهاجرت و بی‌عدالتی را افزایش می‌دهد. بعلاوه نابرابری‌های فضایی می‌تواند به اساس وحدت ملی آسیب رسانده و پیشرفت عمومی اقتصاد را نیز متوقف سازد.

در یک جمع بندی می‌توان گفت نابرابری فضایی شامل: نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... باشد. یکی از مهمترین ابعاد نابرابری اجتماعی است. نابرابری اجتماعی به معنای کلی به تفاوت‌های میان افراد یا جایگاه‌هایی که به صورت اجتماعی تعریف شده و افراد آن را اشغال کرده‌اند، اشاره می‌کند (زاهدی، ۱۳۸۲: ۳۹). توسعه‌ی پایدار در آینده مستلزم درک این واقعیت است که وجود نابرابری‌ها نه تنها از نظر اخلاقی ناپسند است، بلکه همچنین تهدیدی جدی برای مردم کره‌ی زمین دربر خواهد داشت (آلیوت، ۱۳۷۸: ۲۴).

#### ۴. روش شناسی تحقیق

روش مطالعه در این تحقیق، توصیفی و اکتشافی است. اطلاعات این پژوهش عمدتاً بر مبنای منابع اسنادی و مبتنی بر آمار و اطلاعات از وضعیت سرمایه گذاری دولت در طول برنامه چهارم توسعه اقتصادی - اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی است. این اطلاعات از معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان اخذ و پس از جمع بندی به صورت بانک اطلاعات در نرم افزاری Excel تهیه و کد گذاری شد تا امکان اتصال اطلاعات به لایه های مکانی فراهم شود.

در مرحله دوم لایه های مکانی (روستایی، شهری و تقسیمات سیاسی) به همراه کد رابط تهیه و اطلاعات توصیفی به آن متصل گردید. پس از بررسی و رفع اشکالات موجود و ورود داده ها به منظور تحلیل مکانی وضعیت سرمایه گذاری های استان به صورت لکه ای مشخص و در مرحله پایانی با استفاده از نرم افزارهای موجود، چگونگی توزیع فضایی جمعیت و سرمایه گذاری بررسی و نقشه های لازم تهیه شده است.

#### ۵. یافته ها

##### ۵-۱. بررسی وضعیت سازمان فضایی استان

بر اساس آخرین تقسیمات اداری - سیاسی در سال ۱۳۸۷، استان گیلان دارای ۱۶ شهرستان، ۴۳ بخش، ۱۰۹ دهستان، ۴۹ شهر و ۲۶۹۴ آبادی دارای سکنه است. (استانداری گیلان، ۱۳۸۷: ۶۱). نتایج سرشماری سال ۱۳۸۵ نشان می دهد که جمعیت استان گیلان ۲۴۰۴۸۶۱ نفر بوده که از این میان ۱۲۹۵۷۵۱ نفر در مناطق شهری و ۱۱۰۹۱۱۰ نفر در مناطق روستایی بسر می برند (همان، ۱۰۴).

استان گیلان در شمال ایران واقع شده و دارای ویژگی های؛ وسعت کم، تعدد و تمرکز نقاط سکونتگاهی، واقع شدن در منطقه معتدل و مرطوب، مجاورت با دریاچه خزر در سمت شمال، مجاورت با مناطق مرتفع رشته کوه البرز در سمت جنوب و جنوب غرب است. این وضعیت استقرار متمرکز و پرتراکم جمعیت و فعالیت و بهره برداری نامناسب از منابع منطقه و آسیب پذیری شدید زیست محیطی منطقه را بدنبال داشته است. بالا بودن میزان بارندگی، محدودیت خاک و واحدهای ارضی، تمرکز شدید نقاط سکونتگاهی و آشفستگی فضایی و ناپایداری برخی از مناطق از دیگر مشخصه های آن است. مجموعه عوامل جغرافیایی اعم از ویژگی های محیط طبیعی، اقتصادی و انسانی در شکل گیری کانون های اصلی جمعیت و فعالیت در استان دخالت داشته است. قطب ها، محورها و کانون های اصلی فعالیت تا حدودی منطبق بر قابلیت های محیط طبیعی بوده اما

اقدامات و سرمایه‌گذاری‌های انجام شده در ایجاد زیر ساخت‌های اقتصادی و اجتماعی در این امر تأثیر بسیار زیادی داشته است. به علت دخالت قابلیت‌ها و محدودیت‌های محیطی مانند: محدودیت وسعت و خاک، توزیع نامناسب و نامتعادل امکانات و زیر ساخت‌ها و گسترش ناهماهنگ زیر بناها و امکانات مصنوع به طور متقابل منجر به شکل‌گیری قطب‌ها و محورهای توسعه و مناطق عقب مانده و حاشیه‌ای در سطوح استان شده است.

توزیع جمعیت چه در مناطق شهری و چه در مناطق روستایی از ناهمگونی خاصی برخوردار است. مهمترین قطب توسعه و تمرکز جمعیتی استان شهر رشت و مناطق اطراف آن است. به طوری که ۴۷ درصد جمعیت شهر نشین استان در رشت و ۲۰ درصد در ۳ شهر و مابقی در سایر شهرهای استان ساکن هستند. برخورداری از جمعیت بسیار زیاد (حدود ۳۶ درصد از جمعیت استان) وجود و تمرکز شدید امکانات تولید و کارگاهی وجود مؤسسات مالی و اعتباری، وجود فرودگاه بین‌المللی رشت، وجود مراکز تخصصی خدمات برتر و... موجبات تمرکزگرایی شدید این شهر را فراهم ساخته است. در وضع موجود این شهر با محدودیت شدید منابع محیطی مواجه می‌باشد. استقرار بیش از توان جمعیت و فعالیت‌ها بر منابع پایه توسعه منطقه به شدت آسیب وارد ساخته است.

عدم تعادل‌های منطقه‌ای در این استان به حدی است که حتی محورهای عمده توسعه از شهر رشت منشعب می‌شوند. این محورها شامل: محور رشت - قزوین، رشت - بندر انزلی و رشت - لاهیجان که به عنوان مهمترین محورهای استان محسوب می‌شوند. شهرهای رده دوم استان نظیر: بندر انزلی و لاهیجان در زمینه ارائه خدمات برتر آموزشی، بهداشتی و درمانی، تجاری و خدمات با عملکرد ناحیه‌ای نقش اساسی در ساختار و استخوان بندی شبکه شهری استان دارند. با توجه به زمان دسترسی، بالا بودن حجم مسافر بخصوص در ایام تعطیلات و سطوح برخورداری از امکانات و خدمات، اهمیت و ضرورت توجه ویژه به شهرهای میانی دو چندان می‌باشد. شهرهای کوچک به عنوان پل ارتباطی بین مناطق روستایی و شهرهای بزرگ در ارائه خدمات و تقویت بازارهای مالی و تجاری منطقه‌ای و پشتیبانی از نقاط روستایی دارای اهمیت زیادی می‌باشند.

نرخ رشد جمعیت استان در دهه قبل معادل ۰/۷ درصد بوده است. بیشترین جمعیت استان در نواحی جلگه‌ای، بخصوص دلتای سفیدرود سکونت دارند. در کل می‌توان گفت هر چند نرخ رشد جمعیت استان در مقایسه با سایر نقاط کشور در رده پایین است یعنی کمترین نرخ رشد را برخوردار بوده، اما پایین بودن امکانات تولیدی (کمبود شدید زمین‌های کشاورزی و پایین بودن سرانه زمین)، بالا بودن تراکم بیولوژیک جمعیت و سیاست‌های نادرست دولت در واردات بی‌رویه محصولات کشاورزی، منجر به آسیب پذیر شدن شدید اقتصاد روستایی منطقه و در نتیجه افزایش فقر و مهاجرت



شده است. کاهش جمعیت عمدتاً در اثر مهاجرت از روستا به شهرهای کوچک و بزرگ (مانند رشت) و درجه دوم تبدیل نقاط روستایی بزرگ به شهر بوده است. پیش بینی می‌شود که جمعیت استان در سال ۱۴۰۰ به بیش از ۳ میلیون نفر افزایش یابد. یکی از مطالب مهم در ارتباط با استان گیلان، بالا بودن تراکم نسبی و بیولوژیک در آن است. در این استان تعداد ۱۷۱ نفر در هر کیلومتر مربع زندگی می‌کنند که در مقایسه با کشور (حدود ۴۲ نفر) رقم بسیار بالایی است. شهرستان‌های رشت، بندر انزلی و لاهیجان به ترتیب با: ۶۷۴، ۴۳۶ و ۳۷۲ نفر بالاترین تراکم نسبی و شهرستان‌های سیاهکل، رودبار و تالش به ترتیب با: ۴۴، ۴۴ و ۸۲ نفر از کمترین تراکم نسبی برخوردار هستند. علاوه بر تراکم بیولوژیک که نشان دهنده تعداد افراد نسبت به زمین کشاورزی است در این استان بسیار بالاتر از متوسط کشور است. بررسی‌ها نشان می‌دهد که در سال ۱۳۸۵ تراکم بیولوژیک در استان گیلان حدود ۱۰ نفر در هکتار بوده است. در حالی که تراکم بیولوژیک در کشور در همان سال حدود ۴ نفر بوده است. آمار فوق بیانگر آن است که به ازای هر هکتار زمین کشاورزی در استان ۱۰ نفر و در کشور ۴ نفر وجود دارد. شهرستان‌های بندرانزلی، رشت و آستارا به ترتیب با: ۳۱، ۱۹ و ۱۵ نفر بالاترین تراکم بیولوژیک و شهرستان‌های سیاهکل، شفت و صومعه سرا به ترتیب با: ۳/۳، ۴/۶ و ۴/۸ نفر از کمترین تراکم بیولوژیک برخوردار هستند (یاسوری، ۱۳۸۸: ۸۲).

با استفاده از شاخص‌های متنوع در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، زیر ساختی و برخورداری از امکانات و خدمات و با استفاده از روش‌های تعیین درجه توسعه یافتگی و ضریب محرومیت و انحراف از میانگین به بررسی و تعیین سطح برخورداری و توسعه یافتگی مناطق مختلف استان پرداخته شده است. توسعه یک امر چند بعدی و همه جانبه در ساختار اقتصادی - اجتماعی و زیربنایی یک منطقه یا یک کشور است و بیشتر متغیرهای آن به صورت کیفی هستند و تبدیل آن به شاخص‌های کمی تقریباً مشکل می‌باشد ولی محققین به هر حال ناگزیر هستند که از شاخص‌هایی که بتوانند آثار توسعه را در یک منطقه نشان دهنده استفاده کنند (شهادی، ۱۳۶۷: ۵۴).

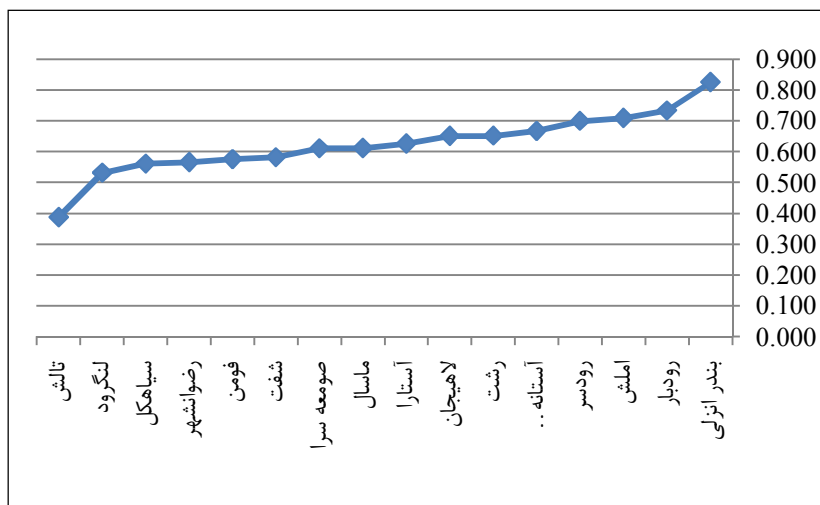
از میان روش‌های متعدد بررسی و تعیین درجه برخورداری مناطق از روش ناموزون موريس استفاده شده است. برنامه عمران سازمان ملل متحد، الگویی برای درجه‌بندی نواحی از لحاظ توسعه یافتگی، به کار برده است که هم جدیدترین الگوی رسمی به کار گرفته در سطح جهانی بوده و هم این که قابلیت گسترش و جایگزینی آنها در فضاهای مورد برنامه‌ریزی با مقیاس‌های مختلف و متنوع قابل اجرا است. این روش به نام الگو موريس معروف است (معمارزاده، ۱۳۷۴: ۱۸۵). به منظور رعایت اختصار از شرح مدل اجتناب شده است. ضرایب بدست آمده حاصل از شاخص‌های مورد بررسی (تعداد ۵۲ شاخص در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی و زیرساختی) بین صفر و یک استاندارد

گردیده است. بر این اساس هر چه مقدار ضریب به یک نزدیک تر باشد نشان دهنده وضعیت مطلوبتر آن منطقه در شاخص‌های مورد بررسی است. به منظور امکان مقایسه و تحلیل مناسب تر پس از بررسی شهرستان‌ها در شاخص‌های کل به تفکیک شاخص‌ها در زمینه‌های اقتصادی، اجتماعی، بهداشتی و درمانی و اقتصادی- اجتماعی نیز پرداخته شده است.

جدول ۱. ضریب برخورداری شهرستان‌های استان در شاخص‌های اقتصادی، اجتماعی، خدماتی و سرجمع شاخص‌ها

شهرستان*	اقتصادی	اجتماعی	خدماتی	سرجمع شاخص‌ها
انزلی	۰.۸۲۶	۰.۸۲۶	۰.۹۸۷	۰.۸۲۶
رودبار	۰.۷۳۴	۰.۷۳۴	۰.۷۶۰	۰.۷۳۴
آستارا	۰.۶۲۷	۰.۶۲۷	۰.۸۱۵	۰.۷۱۰
رودسر	۰.۷۰۰	۰.۷۰۰	۰.۶۱۸	۰.۷۰۰
املش	۰.۷۱۰	۰.۷۱۰	۰.۵۶۵	۰.۶۶۸
رشت	۰.۶۵۲	۰.۶۵۲	۰.۸۰۷	۰.۶۵۲
لاهیجان	۰.۶۵۲	۰.۶۵۲	۰.۶۵۹	۰.۶۵۲
آستانه اشرفیه	۰.۶۶۸	۰.۶۶۸	۰.۶۹۰	۰.۶۲۷
ماسال	۰.۶۱۲	۰.۶۱۲	۰.۵۷۷	۰.۶۱۲
صومعه سرا	۰.۶۱۲	۰.۶۱۲	۰.۶۶۲	۰.۶۱۲
شفق	۰.۵۸۲	۰.۵۸۲	۰.۶۶۱	۰.۵۸۲
فومن	۰.۵۷۶	۰.۵۷۶	۰.۵۶۵	۰.۵۷۶
رضوانشهر	۰.۵۶۷	۰.۵۶۷	۰.۳۴۹	۰.۵۷۶
سیاهکل	۰.۵۶۲	۰.۵۶۲	۰.۲۴۱	۰.۵۶۲
لنگرود	۰.۵۳۲	۰.۵۳۲	۰.۵۵۷	۰.۵۳۲
تالش	۰.۳۸۸	۰.۳۸۸	۰.۲۹۷	۰.۳۸۸

منبع: طرح پژوهشی بررسی وضعیت نابرابری‌های منطقه‌ای در استان گیلان، ۱۳۸۸  
\* نحوه قرارگیری شهرستان‌ها بر اساس ضرایب سرجمع شاخص‌ها، ردیف شده است.



شکل ۱. وضعیت ضریب برخورداری شهرستان‌های استان در شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی

## ۵-۲. بررسی وضعیت توزیع فضایی سرمایه گذاری

یکی از عوامل اصلی در جهت رفع تنگناها و تحقق قابلیت‌ها و عامل اصلی توسعه اقتصادی در هر کشور سرمایه است. از طرف دیگر اگر تصور کنیم که با تمرکز سرمایه می‌توان مشکل توسعه نیافتگی اقتصادی را از بین برد ساده اندیشی است زیرا عوامل دیگری نیز مانند: عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی و ... در روند توسعه اقتصادی نقش مؤثر و حیاتی دارند به عبارت دیگر هر چند تمرکز سرمایه در روند توسعه اقتصادی نقش حیاتی و اصلی دارد عوامل دیگری نیز حائز اهمیت‌اند.

مسلم است که برای چیره شدن بر تنگناهای موجود، دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی ضروری است و دولت باید نقش عمده‌ای در روند توسعه اقتصادی داشته باشد. دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بخش جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی کشورهاست. به خصوص در کشور ایران به علت دست داشتن منابع عظیم درآمدی می‌تواند از طریق توزیع بهینه منابع و اعتبارات نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی کشور و مناطق ایفاء کند. دولت در اولین گام باید با اتخاذ سیاست‌های مناسب تمام تلاش خود را صرف حل معضلات اجتماعی - اقتصادی موجود بکند. در مراحل اولیه توسعه اقتصادی سرمایه گذاری‌ها باید در آن دسته از طرح‌ها صورت گیرد که صرفه‌جویی‌ها در مصارف خارجی را ترغیب می‌کند. به عبارت دیگر دولت می‌تواند با افزایش سرمایه‌گذاری در طرح‌های بالاسری اقتصادی و اجتماعی مانند تأمین نیرو، آموزش و پرورش، گسترش شبکه حمل و نقل، بهبود تسهیلات بهداشتی و جز آن، رشد اقتصادی را تقویت کند. زمینه‌های دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی بسیار وسیع و گسترده است. وظایف

عمده دولت عبارتند از: ایجاد خدمات عمومی، تحت تأثیر قرار دادن افکار عمومی، تشکیل نهادهای اقتصادی، ایجاد فرصت‌های مناسب برای استفاده مطلوبتر از منابع، توزیع مطلوبتر در آمدها و ثروت‌ها، کنترل کمی پول، کنترل نوسانات اقتصادی، تضمین اشتغال، کامل و ایجاد فرصت‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری. ویژگی‌های خاص استان گیلان و نحوه استقرار سکونتگاه‌های روستایی بر چگونگی توزیع اعتبارات اثر دارد. شبکه شهری استان برای این که به تعادل نسبی برسد باید سرمایه‌گذاری‌های دولتی در مرتبه نخست به منافع اجتماعی تأکید ورزد (حسینی و دیگران، ۱۳۸۱: ۵۱). در ماده ۳۱۱ برنامه چهارم توسعه آمده است:

الف) از ابتدای برنامه چهارم، اجرای بودجه سالانه استان‌ها، بر اساس سند ملی توسعه استان تنظیم می‌شود. بودجه سالانه استان شامل: درآمدها و سایر منابع استان، سهم اختصاص یافته از منابع ملی و سرجمع اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای در قانون بودجه کل کشور می‌باشد و به صورت "سند بودجه سالانه استان" در قالب قراردادی تنظیم و بین رئیس شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، مبادله می‌گردد.

ب) "سند بودجه سالانه استان" که تعهدات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان برای اجرای برنامه توسعه استان را مشخص می‌نماید، مشتمل بر اهداف کمی استان، شاخص‌های هدف هر بخش، اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و اعتبارات هزینه‌ای استان می‌باشد.

ج) طرح‌های ملی که منافع آن شامل چند استان و کشور می‌گردد، توسط دستگاه‌های اجرایی ملی اجرا خواهد شد.

د) سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مکلف است، نظام تنظیم بودجه استان را در چارچوب "سند ملی توسعه استان" ظرف مدت شش ماه از تصویب این لایحه تهیه و به تصویب هیئت وزیران برساند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴: ۱۲۷).

بنابر این روند و جهت گیری دولت در زمینه سرمایه‌گذاری در آینده مشخص گردیده است. در این تحقیق به دنبال چگونگی سرمایه‌گذاری و توزیع فضایی آن در برنامه سوم می‌پردازیم. مجموع سرمایه‌گذاری دولتی در استان گیلان در طی برنامه سوم توسعه حدود ۵۳ هزار میلیارد ریال بوده است. علاوه بر سرمایه‌گذاری دولت که هر ساله به صورت بودجه سنواتی به صورت مستقیم در منابع ملی و استانی صورت می‌گیرد، بخشی از سرمایه‌گذاری‌ها نیز به صورت غیر مستقیم از طریق اعتبارات تکلیفی و تسهیلات بانکی در بخش‌های مختلف اقتصادی است. چگونگی توزیع فضایی اعتبارات و بررسی مکانی سرمایه‌گذاری دولت یکی از اهدافی است که می‌تواند در شناخت بهتر و تخصیص بهینه اعتبارات در مناطق و نقاط مختلف صورت گیرد.

هرچند سرمایه گذاری برای رفع محرومیت و برخورداری از امکانات و خدمات می باشد و تا حدود زیادی به چگونگی استقرار جمعیت و منابع بستگی دارد اما بررسی وضعیت توزیع فضایی اعتبارات در برنامه چهارم توسعه در استان گیلان نشان می دهد که برخی از مناطق به هر دلیل توانسته اند سهم بیشتری از اعتبارات بخصوص اعتبارات ملی را به خود اختصاص دهند. نتیجه عمل شده در زمینه سرمایه گذاری دولتی در طی برنامه چهارم توسعه در جدول قبل ارائه گردیده است. این اطلاعات نشان می دهد که بین شهرستان های استان در زمینه توزیع اعتبارات نابرابری وجود دارد.

جدول ۲. وضعیت سرمایه گذاری های دولت در شهرستان های استان گیلان در طی برنامه چهارم توسعه (میلیون ریال)

شهرستان	سال ۸۴	سال ۸۵	سال ۸۶	سال ۸۷	سال ۸۸	جمع برنامه چهارم
استان	۵۶۷۴۶۶	۷۴۶۹۵۶	۱۲۳۰۵۵۷	۱۶۰۷۱۳۷	۱۱۵۲۴۲۴	۵۳۰۴۵۴۰
رشت	۱۵۵۲۶۴	۱۷۹۸۰۴۲	۳۰۷۷۸۶	۴۷۲۲۵۵	۳۲۵۵۸۳	۱۴۴۰۶۹۲
تالش	۴۵۱۸۳	۶۱۹۸۶	۹۸۴۱۴	۱۰۸۷۳۶	۷۴۷۱۱	۳۸۹۰۳۰
رودسر	۳۴۱۵۶	۴۵۲۴۳	۸۵۱۰۵	۱۱۷۰۱۳	۷۲۷۷۵	۳۵۴۲۹۲
رودبار	۲۹۱۸۹	۵۳۷۸۳	۸۱۵۹۱	۱۰۶۸۶۳	۷۶۵۷۳۵	۳۴۷۹۹۹۵
صومعه سرا	۴۴۵۱۹	۵۲۹۴۳۳	۷۴۲۱۵	۹۸۷۳۳	۶۷۰۴۶	۳۳۷۴۵۶۳
لاهیجان	۳۷۴۹۰	۴۹۴۵۴۵	۷۱۵۳۱	۸۵۷۸۰	۶۸۳۸۰	۳۱۲۶۳۵۵
لنگرود	۲۶۳۹۳	۴۱۸۳۰	۵۹۶۶۳	۶۹۴۷۸	۵۴۲۶۲۵	۲۵۱۶۲۶۵
فومن	۲۸۶۲۹	۴۰۱۱۷	۵۳۶۸۶	۶۹۱۷۹	۵۰۴۲۵	۲۴۲۰۳۶
رضوانشهر	۲۲۶۱۸	۳۳۱۴۸	۴۹۵۷۳	۷۰۶۲۰	۵۴۲۰۴	۲۳۰۱۶۳
انزلی	۲۴۳۱۳	۳۵۸۶۵	۵۹۱۳۹	۶۴۸۶۱	۴۱۹۴۷	۲۲۶۱۲۵
سیاهکل	۱۹۷۱۶	۲۷۷۸۲	۴۹۶۲۴	۶۸۹۸۸	۴۶۰۴۶	۲۱۲۱۵۶
آستانه اشرفیه	۲۵۹۴۶	۲۸۶۶۶	۳۹۹۷۳	۶۶۴۹۸	۴۴۸۰۵	۲۰۵۸۸۹
ماسال	۱۷۱۲۹	۲۴۸۳۳	۵۵۶۹۴	۵۶۸۵۵	۵۰۱۱۷	۲۰۴۶۲۸
آستارا	۲۱۵۹۳	۳۰۸۷۲	۴۹۸۹۷	۵۴۸۸۳	۴۱۸۲۵	۱۹۹۰۷۰
شفت	۱۹۵۴۸	۲۱۴۷۲	۵۰۹۷۹	۵۱۴۱۴	۴۵۳۰۱	۱۸۸۷۱۴
املش	۱۵۷۷۹	۱۹۱۵۷	۴۳۶۸۷	۴۴۹۸۱	۳۸۴۲۳	۱۶۲۰۲۷

منبع: معاونت برنامه ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۹

اطلاعات ارائه شده در جداول (۲) و (۳) نشان می دهد شهرستان رشت با جذب بیش از ۵/۳ هزار میلیارد ریال بیشترین اعتبار را در برنامه چهارم به خود اختصاص داده است. هر چند شهر رشت از نظر سرانه اعتبار در رده پایین قرار دارد اما این شهر به

تنهایی حدود ۲۷ درصد از اعتبارات را به خود اختصاص داده است. این مطلب نشان می‌دهد تا زمانی که منطقه به سمت تعادل بخشی حرکت نکند دامنه شکافها گسترده تر خواهد شد. در زمینه کاهش نابرابری و حرکت به سمت تعادل منطقه‌ای نظرات مختلفی وجود دارد. نظریات موجود در خصوص تعادل منطقه‌ای گاه به اعتدال خود به خودی مناطق و عدم نیاز به مداخله و گاه تخصیص مجدد منابع در مناطق فقیر را پیشنهاد می‌کند (زیاری، ۱۳۸۳: ۱۴۰).

اما در کشور ایران که دولت کارفرمای بزرگ است و تخصیص منابع بخصوص سرمایه در اختیار اوست لذا مداخله در جهت کاهش نابرابری‌ها ضرورت دارد. نتایج وجود نابرابری‌ها چه در ابعاد ملی و چه در ابعاد استانی در تمرکز گرایی بیشتر مراکز استان‌ها و جابجایی جمعیت به صورت مهاجرت‌های بی‌رویه و بروز مشکلات بیشتر شهرها و حاشیه نشینی است. پیامدهای نابرابری فضایی در ابعاد اقتصادی، اجتماعی، کالبدی و حتی زیست محیطی خود مقوله جداگانه‌ای است.

### ۳-۵. وضعیت سرمایه گذاری در سطح مناطق

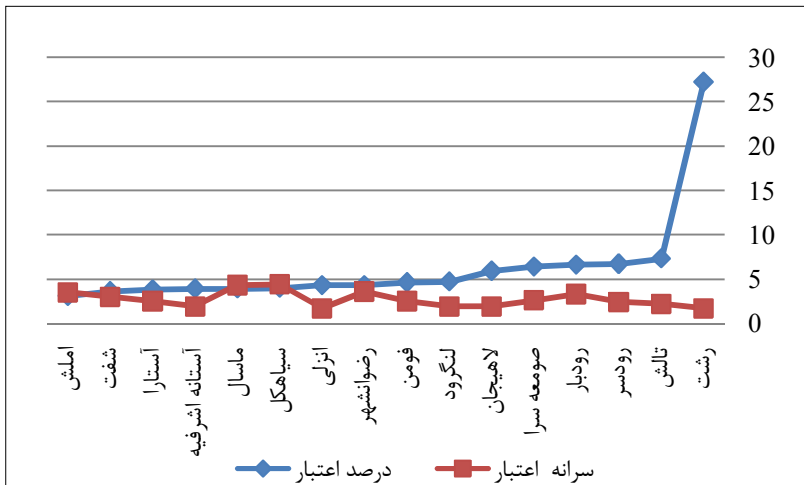
در استان گیلان در طی برنامه چهارم حدود ۵۳ هزار میلیارد ریال اعتبار تخصیص یافته است. در سطح شهرستانی، شهرستان‌های رشت با ۲۷ درصد، رودسر با ۶/۷ درصد، رودبار با ۶/۶ درصد و صومعه سرا با ۶/۴ درصد بالاترین سهم از اعتبارات برنامه را به خود اختصاص داده‌اند. اطلاعات جدول (۳) بر اساس میزان اعتبارات تخصیص یافته در طول برنامه چهارم توسعه و همچنین تعداد جمعیت (جمعیت سال ۱۳۸۵) محاسبه گردیده است. این اطلاعات نشان می‌دهد اولاً هر شهرستان چه سهمی از اعتبارات استان را در طول برنامه چهارم به خود اختصاص داده است، ثانیاً سرانه اعتبار در هر شهرستان به چه میزان است. برخی از شهرستان‌ها مثل شهرستان رشت علی‌رغم این که بیشترین سهم از اعتبارات برنامه را به خود اختصاص داده است ولیکن از نظر سرانه اعتبار در رتبه آخر قرار دارد.

جدول ۳. درصد و سرانه اعتبارات عمرانی (تملك‌دارایی‌ها) شهرستان‌های استان در برنامه چهارم توسعه

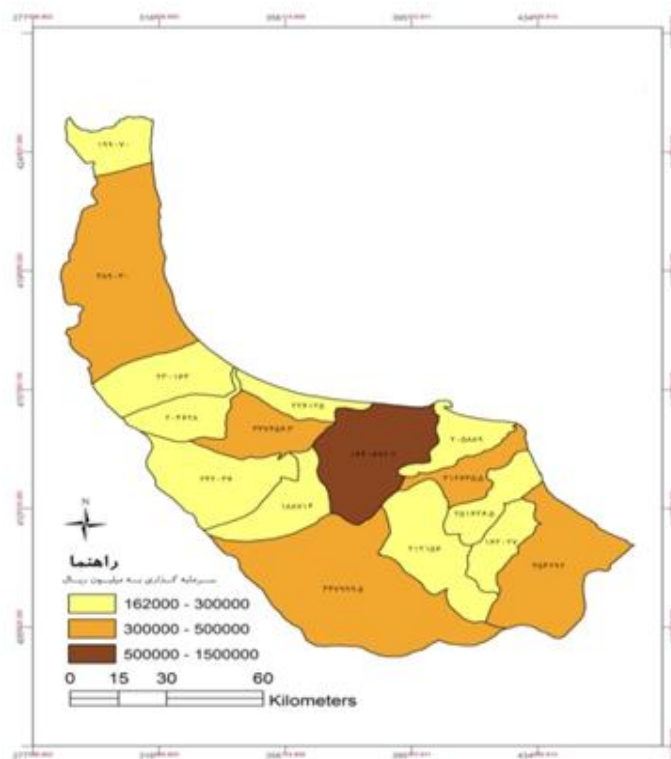
شهرستان	سهم از جمعیت سال ۱۳۸۵	درصد اعتبار	سرانه اعتبار
آستارا	۳.۳	۳.۸	۲.۵
آستانه اشرفیه	۴.۵	۳.۹	۱.۹
املش	۱.۹	۳.۱	۳.۵
انزلی	۵.۵	۴.۳	۱.۷
تالش	۷.۵	۷.۳	۲.۲
رشت	۳۵.۷	۲۷.۲	۱.۷
رضوانشهر	۲.۷	۴.۳	۳.۶
رودبار	۴.۳	۶.۶	۳.۳
رودسر	۶.۱	۶.۷	۲.۴
سیاهکل	۲	۴	۴.۴
شفت	۲.۶	۳.۶	۳
صومعه سرا	۵.۴	۶.۴	۲.۶
فومن	۴.۱	۴.۶	۲.۵
لاهیجان	۶.۸	۵.۹	۱.۹
لنگرود	۵.۶	۴.۷	۱.۹
ماسال	۲	۳.۹	۴.۳

منبع: معاونت برنامه‌ریزی استانداری، سالنامه آماری سال ۱۳۸۷ و اطلاعات آخذ شده از آن مرکز

جدول (۴) نشان می‌دهد که در بین شهرستان‌های استان گیلان از نظر برخورداری از تخصیص اعتبارات عمرانی در طی برنامه چهارم نابرابری‌هایی وجود دارد. به نحوی که سرانه اعتبارات در برخی از شهرستان‌ها چند برابر میزان آن در برخی از شهرستان‌های دیگر است. در حالی است که برخی از شهرستان‌ها نظیر شهرستان رشت علی‌رغم پایین بودن سرانه اعتبار درصد بسیار بالایی از اعتبارات را به خود اختصاص داده‌اند. این مطلب نشان می‌دهد که جمعیت به نحو نامطلوبی در سطح شهرستان‌ها توزیع شده و مادر شهر ناحیه‌ای وزن بالای جمعیتی به خود گرفته است. وجود این شکاف جمعیتی به تبع خود امکانات و خدماتی را جذب می‌کند و نتیجه آن می‌شود که این شهر وزن تر شده و در زمینه‌های مختلف تمرکز بیشتر می‌یابد. با عمیق تر شدن شکاف جمعیتی و امکانات و خدمات جابجایی‌های جمعیتی و همچنین منابع نیز بیشتر خواهد شد.

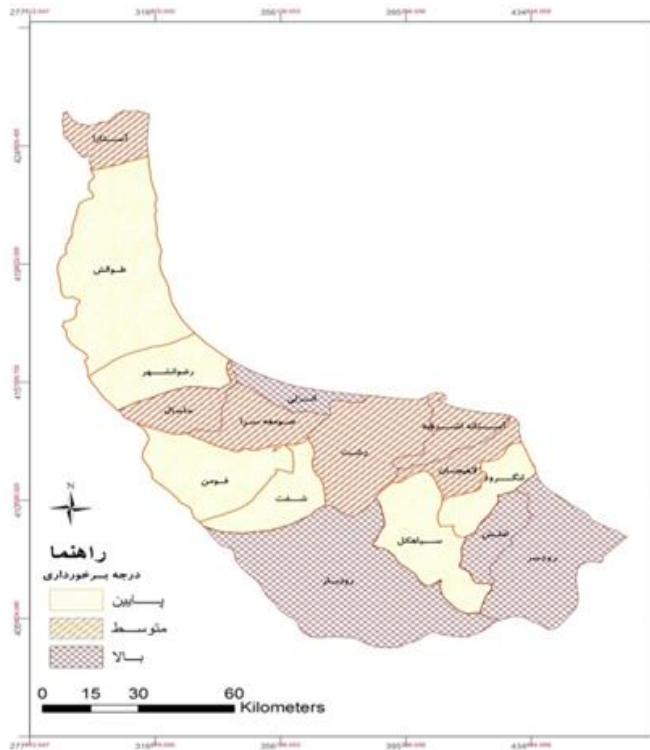


شکل ۲. وضعیت توزیع اعتبارات عمرانی در برنامه چهارم توسعه



شکل ۳. وضعیت سرمایه‌گذاری در برنامه چهارم در شهرستان‌های استان گیلان





شکل ۴. وضعیت برخورداری شهرستان‌های استان گیلان در شاخص‌های اقتصادی - اجتماعی

## ۶. نتیجه گیری

یکی از عوامل اصلی در جهت رفع تنگناها و تحقق قابلیت‌ها و عامل اصلی توسعه اقتصادی در هر کشور سرمایه است. از طرف دیگر اگر تصور کنیم که با تمرکز سرمایه می‌توان مشکل توسعه نیافتگی اقتصادی را از بین برد ساده اندیشی است زیرا عوامل دیگری نیز مانند: عوامل سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، تکنولوژی و ... در روند توسعه اقتصادی نقش مؤثر و حیاتی دارند. برای چیره شدن بر تنگناهای موجود دخالت دولت در فعالیت‌های اقتصادی ضروری است و دولت باید نقش عمده‌ای در روند توسعه اقتصادی داشته باشد. دخالت دولت در بخش‌های زیرساختی بخش جدایی ناپذیر توسعه اقتصادی است. به خصوص در کشور ایران به علت در دست داشتن منابع عظیم درآمدی می‌تواند از طریق توزیع بهینه منابع و اعتبارات نقش بسیار مهمی در توسعه اقتصادی کشور و مناطق و کاهش عدم تعادل‌های منطقه‌ای و فراهم کردن زمینه‌های توسعه ایفاء کند. سرمایه گذاری دولتی در راستای توسعه اقتصادی و اجتماعی در قالب اعتبارات عمرانی و تسهیلات دولتی صورت می‌گیرد. در استان گیلان در طی برنامه چهارم توسعه

حدود ۵۳ هزار میلیارد ریال اعتبار تخصیص یافته است. در زمینه توزیع اعتبارات بیشترین سهم به شهرستان رشت اختصاص دارد. سهم این شهرستان ۲۷ درصد از اعتبارات برنامه بوده است. در خصوص شاخص‌های توسعه اقتصادی و اجتماعی با توجه به اطلاعات جدول (۲) می‌توان گفت که:

- بین شهرستان‌های مختلف در زمینه شاخص‌های مختلف اقتصادی و اجتماعی نابرابری‌هایی وجود دارد به نحوی که شهرستان بندر انزلی با ضریب  $۰/۸۲۶۳$  در رتبه اول و شهرستان ماسال با ضریب  $۰/۳۸۷۸$  در رتبه آخر قرار دارد.

- وضعیت برخورداری و توسعه یافتگی بین شهرستان‌ها به صورت هماهنگ نیست. به نحوی که برخی از شهرستان‌ها در زمینه شاخص‌های اقتصادی دارای وضعیت مطلوبی هستند ولی در زمینه شاخص‌های اجتماعی وضعیت نامطلوبی دارند.

اطلاعات جدول (۳) نشان می‌دهد که در بین شهرستان‌های استان گیلان از نظر برخورداری از میزان اعتبارات عمرانی (تملك دارایی‌ها) نابرابری‌هایی وجود دارد. به عبارتی بین شاخص‌های برخورداری در وضعیت اقتصادی - اجتماعی و میزان سرمایه‌گذاری‌ها نیز ناهماهنگی وجود دارد. برخی از شهرستان‌ها علی‌رغم برخورداری از درصد بالای اعتبارات استان در طی برنامه چهارم از نظر سرانه در وضعیت پایینی قرار دارد. همچنین شهرستان‌های با رتبه پایین برخورداری از نظر شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی از میزان اعتبارات کمتری نیز برخوردار شده‌اند.

## ۷. منابع

۱. آلیوت، جنیفر، ۱۳۷۸، مقدمه‌ای بر توسعه‌ی پایدار در کشورهای در حال توسعه، ترجمه‌ی عبدالرضا رکن‌الدین افتخاری و حسین رحیمی، تهران، انتشارات توسعه‌ی روستایی.
۲. افروغ، عماد، ۱۳۷۷، **فضا و نابرابری اجتماعی**، انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۳. امیر احمدیان، بهرام، ۱۳۷۸، **درجه توسعه یافتگی استان‌ها و همسازی ملی در ایران**، فصل‌نامه مطالعات ملی، سال نخست، شماره اول.
۴. حسینی، علی و دیگران، **بررسی و تعیین نقش و کار شهرستان‌ها و شهرهای استان گیلان**، رشت، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی استان گیلان.
۵. چلبی، مسعود، ۱۳۷۵، **جامعه‌شناسی نظم**، تهران، نشر نی.
۶. زاهدی مازندرانی، محمد جواد، ۱۳۸۲، **توسعه و نابرابری**، نشر مازیار.
۷. زیاری، کرامت اله، ۱۳۸۳، **مکتب‌ها، نظریه‌ها و مدل‌های برنامه و برنامه‌ریزی منطقه‌ای**، یزد: دانشگاه یزد.
۸. سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۸۴، **قانون برنامه چهارم توسعه**، تهران، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز مدارک و انتشارات.
۹. شهزادی، هرمز، ۱۳۶۷، **کاربرد شاخص‌های اجتماعی و اقتصادی در برنامه‌ریزی توسعه**، تهران، وزارت برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
۱۰. کلانتری، خلیل، ۱۳۸۰، **برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای**، تهران، انتشارات خوشبین.
۱۱. مرکز آمار ایران، ۱۳۸۶، **نتایج تفصیلی سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۸۵**.
۱۲. مصلی نژاد، غلامعباس، ۱۳۸۴، **دولت و توسعه اقتصادی در ایران**، تهران، قومس.
۱۳. معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۸، **جداول توزیع اعتبارات برنامه چهارم توسعه**، مدیریت بودجه و نظارت.
۱۴. معاونت برنامه‌ریزی استانداری گیلان، ۱۳۸۷، **سال‌نامه آماری استان گیلان**، مدیریت آمار و اطلاعات.
۱۵. معمارزاده، قدرت الله، ۱۳۷۴، **گزارش توسعه انسانی**، تهران، سازمان برنامه و بودجه، دفتر مدارک و انتشارات.
۱۶. هافتون، گراهام و دیوید کانسل، ۱۳۸۸، **مناطق، راهبردهای فضایی و توسعه پایدار**، ترجمه، عارف اقوامی مقدم، تهران، انتشارات آذرخش.
۱۷. هیگینز، بنجامین و داندلساوی، ۱۳۷۶، **سیاستگذاری منطقه‌ای در جهانی در حال دگرگون**، گروه مترجمین، دفتر آمایش و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران، سازمان برنامه و بودجه، مرکز مدارک اقتصادی، اجتماعی و انتشارات.
۱۸. یاسوری، مجید، ۱۳۸۹، **بررسی وضعیت نابرابری منطقه‌ای در استان گیلان**، دانشگاه گیلان، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، گروه گیلان‌شناسی.